


## نقد تاریخی اجتماعی متن ادبی بر پایه نظریه کلود دوشه (مورد مطالعه: رمان به

### امید دیدار در آن دنیا اثر پی‌یر لومتر)

مقاله پژوهشی

ریحانه ابراهیمی

دانشجوی دکتری گروه زبان فرانسه، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

محمدجواد کمالی (نویسنده مسئول) 

دانشیار گروه زبان فرانسه، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

سعدی جعفری کاردگر

استادیار گروه زبان فرانسه، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

## چکیده

در زمینه نقد تاریخی-اجتماعی متون ادبی، دیدگاه‌های فراوان و متنوعی بیان شده است که در میان آنها رویکرد کلود دو شه، بیشترین تمرکز را بر روی متن دارد. این شیوه از نقد و تحلیل ادبی، واقعیت‌های اجتماعی را از طریق خوانش متن ادبی جست‌وجو و آشکار می‌کند. نقد تاریخی اجتماعی، بیشتر تمایل به تحلیل اجتماعی رفتارها دارد و در جست‌وجوی یافتن نشانه‌ها و پدیده‌های اجتماعی در دل متن ادبی است. با توجه به اینکه ادبیات معاصر فرانسه، از تحولات اجتماعی تأثیرات فراوانی پذیرفته است، شمار قابل توجهی از نویسندگان همواره تلاش کرده‌اند تا آثاری را با الهام از واقعیت‌های اجتماعی به رشته تحریر درآورند. پی‌یر لومتر از جمله آنان است که در اثر معروف خود، تحت عنوان به امید دیدار در آن دنیا، داستانی متأثر از جنگ جهانی اول می‌نویسد و به پیامدهای زندگی اجتماعی این رویداد مهم تاریخی در جامعه فرانسه اشاره می‌کند. در این مقاله کوشش شده است با بهره‌گیری از نقد تاریخی اجتماعی منتقد برجسته ادبی معاصر، کلود دو شه، زیر ساخت‌های اجتماعی رمان به امید دیدار در آن دنیا اثر پی‌یر لومتر تحلیل و بررسی و پاسخ مناسبی به این پرسش‌ها که: «جامعه مرجع در این رمان چیست؟ چه ارتباطی میان جامعه متن و مرجع وجود دارد؟ و سوسیوگرام این متن چیست؟» ارائه شود. برای انجام این کار، متن را با توجه به مفاهیم تحلیلی دوشه مانند جامعه متن، جامعه مرجع و سوسیوگرام مطالعه و تحلیل کرده‌ایم.

**کلیدواژه‌ها:** کلود دوشه، نقد تاریخی اجتماعی، پی‌یر لومتر، جامعه متن، جامعه مرجع، سوسیوگرام، به امید دیدار در آن دنیا.

## ۱. مقدمه

ادبیات به‌عنوان محصولی که اندیشه خلاق انسان آن را پدید آورده است، وجود خود را مدیون شرایط مختلف زندگی بشری می‌داند و نیز سبب تقویت ذهن و تخیل انسان می‌شود. به این ترتیب، تغییر و تحول در ادبیات، وابسته به تغییراتی در جامعه بشری است. بنابراین، رابطه تنگاتنگی بین ادبیات و جامعه وجود دارد. با توجه به اینکه بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای متن ادبی، پیوندهای قوی و درخور توجهی وجود دارد و نظر به اینکه ادبیات برای قضاوت جامعه و جامعه برای توضیح ادبیات به کار می‌رود، از این منظر، می‌توان ادعا کرد نقد و تحلیل اثر ادبی بدون توجه به جامعه‌ای که متن ادبی در آن تولید می‌شود، تقریباً ناممکن است. «نقد تاریخی-اجتماعی، ادبیات را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که هر بیان هنری یا ادبی، کم و بیش بخشی از واقعیت اجتماعی زمان خود است» (گلدمن، ۱۹۶۴: ۲۳). کلود دوشه، پدر نقد تاریخی-اجتماعی، تلاش می‌کند تا ویژگی‌های جوامع بشری را بررسی کند و بازنمایی از واقعیت اجتماعی را ارائه دهد و بر این اساس، متن ادبی را به شیوه تاریخی-اجتماعی، نقد و تحلیل می‌کند.

در طول تاریخ ادبیات فرانسه، همواره شاهد بوده‌ایم که تغییر و تحولات اجتماعی و تاریخی، بر تولیدات ادبی تأثیر مستقیمی گذاشته است؛ به‌عنوان مثال، همان‌طور که جنگ جهانی اول، منجر به پایان گرفتن برخی نظام‌های پادشاهی شد، سبک و موضوع متون ادبی نیز تا حدود زیادی متحول شد. در واقع، این رویداد بزرگ تاریخی به‌نوعی منبع اصلی الهام اندیشه‌های جنبش‌های مختلف ادبی در قرن بیستم شد.

پی‌یر لومتر<sup>۱</sup>، از جمله نویسندگان معاصری است که با قلم و استعداد خود توانسته است در آثارش تصویری از واقعیت‌های اجتماعی را در اوایل قرن بیستم ارائه دهد. دل‌سردی و ناامیدی عمومی، لومتر را وادار به نوشتن اثری می‌کند که سرخوردگی حاکم بر جامعه را بازگو کند. او در رمان به امید دیدار در آن دنیا<sup>۲</sup>، فضایی تاریک و مایوس‌کننده را توصیف می‌کند که در آن، شخصیت‌ها از سویی کارهایی را انجام می‌دهند که جامعه انتظار دارد و از سوی دیگر، از طرف همان جامعه طرد می‌شوند و مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند.

شایان توجه است لومتر جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که می‌توان آن را مانند یک خرد از نظام کلان جهانی در نظر گرفت. به همین دلیل است که در این مقاله، با بهره‌گیری از نقد تاریخی-اجتماعی دوشه، به دنبال آن خواهیم بود که مفاهیم کلیدی این منتقد ادبی، همچون «جامعه متن»، «جامعه مرجع» و «سوسیوگرام» را در رمان به امید دیدار در آن دنیا توضیح داده و خوانشی از متن ارائه دهیم که «واقعیت اجتماعی» آن را آشکار می‌کند. در واقع، کلود دوشه به‌منظور ارائه خوانش دقیق و قابل فهم از متن ادبی و تحلیل رویدادهای اجتماعی در رمان، مفاهیم جدیدی را ابداع می‌کند و می‌کوشد آنها را در متن ادبی کشف و بررسی کند. در این مقاله، قصد داریم

<sup>1</sup> Claude Duchet.

<sup>2</sup> Pierre Lemaitre

<sup>3</sup> *Au revoir là-haut*

مفاهیم اصلی رویکرد دوشه (شامل: جامعه متن، جامعه مرجع و سوسیوگرام) را توضیح دهیم و کاربرد آنها را در رمان مورد مطالعه (به امید دیدار در آن دنیا) بررسی و تحلیل کنیم. در ادامه، جامعه متن در این رمان را تحلیل و بررسی خواهیم کرد. سپس، با کشف نشانه‌های اجتماعی و تاریخی، جامعه مرجع را کشف کرده و توضیح دهیم و با مطالعه دقیق رمان، ارتباط بین دو جامعه متن و مرجع، سوسیوگرام در آن را مشخص کنیم و در طول مقاله خواهیم کوشید برای پرسش‌هایی نظیر «جامعه متن چیست؟ جامعه مرجع در این رمان کدام است؟ چه ارتباطی میان جامعه متن و مرجع وجود دارد؟ و سوسیوگرام این متن ادبی به چه مواردی اطلاق می‌شود؟» پاسخ‌های مناسبی ارائه کنیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

نقد و پژوهش در زمینه نقد تاریخی اجتماعی، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ اما نظر به اینکه نظریه کلود دوشه نزد پژوهشگران ایرانی و حتی فرانسوی کمتر شناخته شده است، طبیعتاً مطالعات کمتری به صورت اختصاصی به بررسی نظریه وی اختصاص یافته است. در واقع براساس جست‌وجوی انجام‌شده، هنوز هیچ مقاله یا کتابی رمان به امید دیدار در آن دنیا اثر پی‌یر لومتر را مورد بررسی و تحلیل علمی قرار نداده است؛ اما درباره نقد تاریخی اجتماعی و پژوهش براساس نظریه کلود دوشه، تاکنون چهار مقاله علمی پژوهشی منتشر شده است که عبارتند از: «ستاره در حال مرگ؛ خوانش تاریخی اجتماعی رمان ثریا در کما» (کریمیان و علائی، ۲۰۱۷)؛ «خوانش دوشه‌ای رمان ترس و لرز از غلامحسین ساعدی» (سلیمی کوچی و اشرفی، ۲۰۱۵)؛ «ریشه‌های آسمان اثر رومن گاری؛ کاربرد نقد تاریخی اجتماعی کلود دوشه» (جواری و عبدی، ۲۰۱۹)؛ «پدیده اجتماعی "آنومی" و پژواک آن در رمان مرگ قسطی نوشته سلین» (جواری و صدقیان، ۲۰۱۸) همچنین، تعداد ۲۳ پایان‌نامه تحت راهنمایی کلود دوشه با موضوع «بررسی اجتماع در ادبیات» در دانشگاه سوربن پاریس و نیز پایان‌نامه‌ای در ۱۹۹۸، با موضوع «نقد تاریخی اجتماعی رمان آدم اول اثر آلبر کامو براساس نظریه کلود دوشه» در دانشگاه لاوال کانادا دفاع شده است.

## ۳. چارچوب نظری

نقد اجتماعی مبتنی بر مطالعات جامعه‌شناختی از آغاز قرن بیستم و به‌ویژه بر آثار لوکاج و گلدمن شکل گرفته است. در واقع این دو اندیشمند جامعه‌شناسی دیالکتیکی ادبیات را ابداع کردند. به عقیده دوشه، «جامعه‌شناسی فقط می‌تواند بر مفاهیم خود نسبت به کار آنها تأکید کند» (دوشه، ۱۹۷۹: ۵).

نقد اجتماعی، مبتنی بر مفهومی گسترده است که ادبیات و جامعه را دو جزء جدایی‌ناپذیر می‌داند و اثر را حاصل شرایط اجتماعی زمان نویسنده تعریف می‌کند. ادبیات، واقعیت‌های اجتماعی-تاریخی را منعکس کرده و جامعه را از بیرون، در چهارچوب یک جهان داستانی ترسیم می‌کند. هر اثر ادبی، همچون سایه‌ای از یک جامعه حقیقی و بزرگ‌تر است و درحقیقت، واقعیت‌های خارجی را در بر می‌گیرد. ویژگی نقد تاریخی-اجتماعی، این

است که با تفسیر و تحلیل بخش‌های مختلف اثر، جهان واقعی را در جامعه متن کشف کرده و آن را بازنمایی می‌کند.

(درواقع)، خوانش نقد تاریخی-اجتماعی به‌نوعی شامل تحلیل و تفسیر اثر از درون می‌شود و شناخت یا تولید فضای متضادی را در بر می‌گیرد که در آن، محصول ادبی و سرشار از خلاقیت وجود دارد. محصولی که بازتابی از یک واقعیت از قبل تثبیت شده، نشانه‌ها و مدل‌های اجتماعی-فرهنگی، مطالبات اجتماعی و روش‌های بنیادین می‌باشد (دوشه، ۱۹۷۹: ۴).

با این حال، نقد تاریخی-اجتماعی، متن را از منظر خاص اجتماعی مطالعه می‌کند و هدف آن جست‌وجوی نشانه‌های اجتماعی در ادبیات است. هدف اصلی این رویکرد، جست‌وجوی عنصر اجتماعی بودن متن است. اجتماعی بودن «شیوه‌ای است که سبب خوانش با دیدگاه اجتماعی متن می‌شود و رویکرد جامعه‌شناسی را در متن ثبت می‌کند و در عین حال از طریق اعمال بر متن، محصولی ادبی و زیبایی‌شناختی تولید می‌کند» (روبن، ۱۹۹۳: ۳). به همین دلیل است که نقد تاریخی-اجتماعی تمام آن چیزی است که در متن تجلی یافته است و به‌عنوان حضور جامعه مرجع و اعمال رویکرد اجتماعی در متن، خود را نشان می‌دهد و این‌گونه است که «هر متن ادبی، خود را وابسته به یک واقعیت اجتماعی-تاریخی پیش از تولید آن اثر ادبی و خارج از متن، در جهان واقعی می‌داند» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۴۹).

بدیهی است که جنبه اجتماعی یک اثر ادبی علاوه بر اینکه حاصل تجربه شخصی است، محصول یک گروه اجتماعی نیز می‌باشد. همچنین، نقد تاریخی-اجتماعی به بررسی و برجسته کردن عناصر اجتماعی در تولید اثر ادبی می‌پردازد و به دنبال کشف «آن چیزی است که رمان، خود را به‌عنوان یک جامعه متن معرفی می‌کند و شرایط خوانش اجتماعی متن را در خود ایجاد می‌کند» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۴۹).

شایان ذکر است که نقد تاریخی-اجتماعی، امکان خوانشی از متون را ارائه می‌دهد و برخلاف جامعه‌شناسان ادبیات که جامعه را از مبنای غیرمتنی تحلیل می‌کنند، نظریه پردازان نقد تاریخی-اجتماعی، متن را مبنای اصلی نقد اجتماعی می‌دانند و برای متن، اهمیت خاصی قائل می‌شوند؛ زیرا این متن است که تصویری از جهان واقعی نویسنده ارائه می‌دهد و رابطه محکمی با واقعیت اجتماعی و جامعه مرجع ایجاد می‌کند. «متن، چیزی جز رمان نیست؛ اما تمام متن، جامعه متن را می‌سازد» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۹۵). این رویکرد که به متن خصلت اجتماعی می‌بخشد، دارای چندین پسوند تجدید شده است که از جمله می‌توان به تحلیل گفتمان اجتماعی با رژین روبن<sup>۱</sup> و مارک آنژنو<sup>۲</sup> و آثار ژاک دوبوآ<sup>۳</sup> در مورد مطالعه نهادهای ادبی و مطالعه زبانی متون اشاره کرد. همچنین، آثاری از

<sup>1</sup> Régine Robin

<sup>2</sup> Marc Angenot

<sup>3</sup> Jacques Dubois

ادموند کراس<sup>۱</sup> و درنهایت، پی‌یر زیما<sup>۲</sup> که عموماً دربارهٔ جامعه‌شناسی ادبیات بحث می‌کنند، در این زمره قرار دارند. نقد تاریخی-اجتماعی از دههٔ ۱۹۶۰ و به‌ویژه با انتشار مقالهٔ «برای جامعه‌شناسی یا تنوع در مقدمه» توسط کلود دوشه مطرح و ابداع شد. از نظر دوشه، متن، مبنای اساسی نقد تاریخی-اجتماعی است. او با روش نقد تاریخی-اجتماعی خود، متن را از درون متن تحلیل می‌کند و «مضمون‌ها، پیش‌فرض‌ها، ناگفته‌ها و سکوت‌ها را زیر سؤال می‌برد و فرضیهٔ وجدان اجتماعی متن را بیان می‌کند» (دوشه، ۱۹۷۹: ۴). نظریهٔ دوشه، عمدتاً بر مفاهیمی مانند جامعهٔ متن یا رمان، جامعهٔ مرجع، خارج از متن، گفتمان اجتماعی و سوسیوگرام استوار است. مفاهیم تخصصی دوشه، رابطه‌ای اجتناب‌ناپذیر با یکدیگر دارند: جامعهٔ متن بازتاب یک کل بزرگ‌تر؛ یعنی جامعهٔ مرجع است که آن نیز به‌نوبهٔ خود به خارج از متن اشاره دارد. شناخت این دو جامعه، گفتمان‌های اجتماعی را آشکار می‌کند؛ گفتمان‌های اجتماعی به یک گفتمان واحد ختم می‌شوند که دوشه آن را سوسیوگرام نامیده است.

### ۳.۱. گفتمان اجتماعی، جامعهٔ متن، جامعهٔ مرجع

گفتمان اجتماعی اغلب با جامعهٔ رمان مرتبط است و «با گستره‌ای از حوزه‌ها مطابقت دارد؛ زیرا این گفتمانی است که هر جامعه دربارهٔ خود دارد» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۵۳). به گفتهٔ آنژنو:

هر چیزی که در یک وضعیت جامعه گفته و نوشته می‌شود، هر چیزی که چاپ می‌شود، هر آنچه که علنی گفته می‌شود یا در رسانه‌های الکترونیکی ارائه می‌شود، تمام آنچه نقل و استدلال می‌شود، شیوه‌های درج گفتمان در متن محسوب می‌شوند (آنژنو، ۱۸۸۹: ۸۳).

اثر ادبی برای بازتولید عناصر جامعهٔ واقعی، گفتمان‌های مربوط به مشکلات جامعه و واقعیت‌های جوامع انسانی را در جامعهٔ متن بازتولید می‌کند. این گفتارها که مضامین متعددی را در بر می‌گیرد، بیانگر بعد اجتماعی متن هستند. در نقد تاریخی-اجتماعی دوشه، گفتمان اجتماعی بیش از هر چیز «ضمیر مرجع اتفاقات داستان و تمام آن شواهدی است که قبل از پدیدآوردن اثر ادبی، در رمان وجود داشته و با آشکارساختن آن» بیان شده است (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۵۳). بنابراین، گفتمان‌های اجتماعی، نظر غالب جامعهٔ رمان را بازتاب می‌دهند و شیوه‌های متفاوت تفکر، کنش‌های اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت را نشان می‌دهند.

جامعهٔ متن، امکان بررسی و تحلیل واقعیت اجتماعی را از طریق متن ادبی فراهم می‌کند. نویسنده در دنیای تخیلی و ساخته و پرداختهٔ ذهن خود، جامعهٔ واقعی را بازنمایی می‌کند. قوانین، اعمال، ارزش‌ها، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هر آنچه را که در دنیای واقعی پیرامونش وجود دارد، نشان می‌دهد. شخصیت‌های این جامعه شبیه افراد واقعی در جهان خارج از رمان است. جامعهٔ متن، جهانی ساختگی را تشکیل می‌دهد که

<sup>1</sup> Edmond Cros

<sup>2</sup> Pierre Zima

واقعیت‌های انسانی را به تصویر می‌کشد. شایان ذکر است ترسیم جامعه واقعی عموماً ویژگی متن واقع‌گرایانه است که واقعیت را به شکلی صریح بازسازی کرده و جامعه را تا حد امکان به صورتی وفادار به واقعیت بازتولید می‌کند. به گفته دوشه، «فرض بر وجود جامعه رمان در تمام نوشته‌هایی که از قواعد حقیقت‌شناسی تبعیت می‌کنند، می‌باشد» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۵۰).

رمان، جامعه یا تاریخ نیست؛ بلکه بازتابی از آن است. در واقع، رمان، سایه و یا تصویری از واقعیت اجتماعی را روایت می‌کند؛ به عبارت دیگر، نویسنده از وقایع اجتماعی پیرامونش الهام گرفته و با هنر ادبی و تخیل خویش درآمیخته و جامعه متن را پدید می‌آورد. بنابراین، «رمان رئالیست یا هر نوع دیگری از رمان، دقیقاً شامل آنچه از نامش برمی‌آید، نیست» (دوشه، ۱۹۷۹: ۴). به همین دلیل است که در نقد تاریخی-اجتماعی، «سخن از به‌کاربردن استانداردها و کلیشه‌ها در میان نیست؛ بلکه منظور، بهره‌گیری خالق اثر ادبی با مضامین اجتماعی، از شیوه‌های داستان‌پردازی است که من پیشنهاد کرده‌ام در این رویکرد، «جامعه رمان» نامیده شود» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۴۸). بنابراین، جامعه متن در ارتباط مستقیم با فضای اجتماعی خارج از متن است و دوشه آن را «جامعه مرجع» می‌نامد.

ادبیات، دنیایی را بر روی صفحات کاغذی ترسیم می‌کند که نمایانگر جهان واقعی و بازتابی از جامعه است و به‌منظور اینکه متن ادبی برای خوانندگان خوانا و قابل فهم باشد، نویسنده، باید به واقعیت‌های اجتماعی مراجعه کند و به‌صورت صریح یا ضمنی، اتفاقات و اندیشه‌های حاکم بر جامعه را نشان دهد. جامعه مرجع، به درک بهتر جامعه متن کمک می‌کند؛ زیرا در متن، عناصری وجود دارد که به جامعه‌ای خارج از متن اشاره می‌کند. وقتی دوشه از جامعه مرجع سخن می‌گوید، قصد دارد به خوانش جامعه‌محوری در متن دست یابد؛ به عبارت دیگر، جامعه مرجع همان چیزی است که دوشه آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «نشانه‌هایی که بیانگر وجود واقعیت‌هایی خارج از رمان بوده و آن چیزی است که رمان خود را وابسته به واقعیت اجتماعی-تاریخی پیشین و بیرون از آن می‌داند» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۴۹).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت جامعه رمان، بازتابی از واقعیت اجتماعی و تاریخی است که به آن جامعه مرجع می‌گویند. این جامعه مرجع، ظهور و تجلی جامعه‌ای است که متن، آن را توصیف می‌کند و به‌این ترتیب، به متن ادبی، رنگ و بویی از واقع‌گرایی می‌بخشد و همان‌طور که دوشه بیان می‌کند: «واقعیت‌هایی که رمان روایت می‌کند، خواه کلمات باشند، حرکات، اشیاء، مکان‌ها، رویدادها و یا شخصیت‌ها؛ واقعیت‌های معتبری هستند که در واقعیت و در جامعه، مرجعی دارند» (دوشه، ۱۹۷۳: ۴۵۰).

جامعه مرجع، جهان واقعی نویسنده را تشکیل می‌دهد که او از آن برای خلق جهان تخیلی اثر ادبی الهام می‌گیرد و به تجربه شخصی نویسنده وابسته است. به همین دلیل است که یک نویسنده مسلمان، آداب دین خود و جنبه‌های خاص جامعه خود را بهتر توصیف می‌کند یا یک نویسنده آفریقایی به شیوه‌ای معتبرتر مناظر بیابانی را توصیف

می‌کند، درحالی‌که یک نویسنده اروپایی بهتر از بقیه سرمای زمستان را توصیف می‌کند؛ چراکه این توصیف به دنیای او تعلق دارد (سلیمی کوچی و اشرفی، ۲۰۱۵: ۷۲).

### ۲.۳. سوسیوگرام

سوسیوگرام مفهوم نظری جدیدی از جامعه‌شناسی را ارائه می‌دهد که توسط دوشه بسط یافته است. سوسیوگرام را می‌توان به‌عنوان یک کهن‌الگوی جامع از وضعیت کلی جامعه واقعی تعریف کرد. می‌توان گفت که سوسیوگرام در جهان مرجع یافت می‌شود؛ به عبارت دیگر، سوسیوگرام مجموعه‌ای از پرسش‌های اجتماعی است که در اثر ادبی توصیف می‌شود و عموماً خود را در قالب تضاد نشان می‌دهد. باید توجه داشت که سوسیوگرام نه تنها یک مضمون است؛ بلکه یک کهن‌الگوی کلی است که خصیصه‌های مشکل‌آفرین دارد و از هسته‌ای متضاد در متن شکل می‌گیرد. به گفته دوشه، سوسیوگرام «مجموعه‌ای مبهم، ناپایدار و متضاد از بازنمایی‌های جزئی است که با یکدیگر تعامل دارند و پیرامون یک هسته واحد شکل گرفته‌اند که برای شناخت آن باید متضادش را مطالعه کرد» (تورنیه، ۱۹۹۳: ۴۹). از نظر رژین روبن، سوسیوگرام در نقد تاریخی اجتماعی دوشه، عبارت است از:

مجموعه‌ای از بازنمایی‌ها که پیرامون هسته مرکزی شکل می‌گیرد و آن هسته در شناسایی گزاره متضادش شناخته می‌شود و می‌تواند به اشکال مختلف ارائه شود: کلیشه، اصل، مجموعه واژگانی جامعه‌شناسی، کلیشه فرهنگی، شعار، بیانیه نمادین، شخصیت نمادین، مفهوم انتزاعی، هدف یا تصویر (روبن، ۱۹۹۳: ۱۴).

### ۴. بحث و بررسی

#### ۴.۱. جامعه متن به امید دیدار در آن دنیا

پی‌یر لومتر، رمان‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس معاصر فرانسوی، در زمینه خلق رمان‌های پلیسی و جنایی شهرتی جهانی دارد. او در سال ۲۰۱۳، رمانی با عنوان به امید دیدار در آن دنیا می‌نویسد که نظر خوانندگان، منتقدان و نویسندگان را به خود جلب می‌کند؛ به طوری که جوایز متعددی از جمله گنکور، معتبرترین جایزه ادبی فرانسه را کسب می‌کند. این رمان که نشان‌دهنده نگرش ضدجنگ نویسنده است، تأثیر مثبتی بر مردم فرانسه گذاشته است و ۱۵۰ هزار نسخه از این رمان، بلافاصله پس از انتشار به فروش می‌رسد؛ به طوری که انتشارات آلبن میشل<sup>۱</sup> فوراً هفتاد هزار نسخه دیگر چاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌دهد. (مصاحبه با آلبر دولپون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷).

نویسنده کتاب به امید دیدار در آن دنیا با ظرافت تمام، شخصیت‌ها و وقایع داستان را منطبق بر اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی اوایل قرن بیستم و فضای پایان جنگ جهانی اول ترسیم می‌کند؛ ناامیدی، بیکاری، فقر، بزهکاری، بدبینی، ریاکاری و نداشتن انگیزه و انرژی لازم از جمله پیامدهای جنگ بود؛ کودکان زیادی یتیم، زنان فراوانی، بیوه؛ پدران و مادران بی‌شماری عزادار شده و شهر مملو از معلولان جنگی گشته بود. او به جنبه‌های

<sup>۱</sup> Albin Michel

<sup>۲</sup> Albert Dulpont

گوناگون روان‌شناسی شخصیت‌ها توجه ویژه‌ای دارد و از اصطلاحات تخصصی روانشناسی بهره می‌برد که بر مبنای آن، حقیقت تلخ تاریخی و اجتماعی پیامدهای جنگ جهانی اول در طول داستان خودنمایی می‌کند. به امید دیدار در آن دنیا روایتگر تضادها در دنیای واقعی است. او از فقیر و غنی، استعمارگر و مستعمره، جنایتکار و درستکار، کشتگان و بازماندگان جنگ سخن به میان می‌آورد.

وقایع این رمان از لحاظ زمانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: سال ۱۹۱۸ که همزمان با آتش‌بس و پایان گرفتن جنگ است، رویداد اصلی در این زمان اتفاق می‌افتد؛ زمانی که قهرمان داستان، تنها شاهد جنایت فرمانده‌اش ستوان پرادل، متوجه می‌شود که دو هم‌رزمش به خاطر جاه‌طلبی‌های این فرمانده از پشت تیر خورده‌اند؛ فرمانده او را به داخل گودال هل می‌دهد و زنده به گورشدن سرباز آلبر مایار را تماشا می‌کند. وقایع دسته دوم مربوط به سال ۱۹۱۹ است، زمانی که دو قهرمان داستان به زندگی غیرنظامی برمی‌گردند و بی‌مهری‌ها و بی‌تفاوتی‌های هم‌وطنانشان را نسبت به قهرمانان زنده جنگ می‌بینند. لومتر در این بخش، به توصیف زندگی فقیرانه آلبر و ادوارد می‌پردازد و پدیده‌های اجتماعی این دوره تاریخی را به زیبایی شرح می‌دهد، از طبقات مختلف اجتماعی و سبک زندگی متفاوت آنها سخن می‌گوید. آخرین تقسیم‌بندی زمانی اتفاقات داستان مربوط به سال ۱۹۲۰ است؛ در طول این سال است که نقشه کلاهبرداری بزرگ ادوارد با کمک آلبر و لویییز عملیاتی می‌شود.

نویسنده در خلق این اثر بدیع، تقریباً تمامی گروه‌های اجتماعی را وارد داستان کرده است: نظامیان در سطوح مختلف از سرباز تا ژنرال، مذهبیبون، سیاستمداران، مدیران شهری، بی‌خانمان‌ها، مهاجران ولگرد، دزدان، حاشیه‌نشینان شهر، کارمندان، کارگران و خدمتکاران؛ به امید دیدار در آن دنیا روایتگر دنیای مدرن و دو قطبی است که نسبت به بی‌عدالتی‌های پیرامونش سکوت کرده است و قهرمانان داستان با کلاهبرداری بزرگ قصد دارند وجدان جمعی را بیدار کنند. دنیای نویسنده، سرشار از احساسات مثبت و منفی و باورهای شخصی و جمعی در مورد جهان است.

خواننده این رمان، خود را در جهانی تیره می‌بیند و همراه با شخصیت‌ها، زندگی تلخی را تجربه می‌کند که اتفاقات آن، در دنیای واقعی، هر روز در حال تکرار است. او با حقایق متناقضی روبه‌رو می‌شود. شخصیت‌های تخیلی اما در عین حال بسیار مشابه در عالم واقعی را می‌بیند و از مشاهده وجدان جمعی جامعه به خواب رفته، متأسف می‌شود. این رمان شامل ۴۲ قسمت است: لحظه اعلام آتش‌بس را به تصویر می‌کشد و حالات شخصیت‌ها را در آن لحظه بیان می‌کند. به این ترتیب، که سربازان معمولی از خبر بازگشت به زندگی غیرنظامی در کنار خانواده خوشحال می‌شوند؛ اما فرمانده پرادل از زمره افرادی است که شانس خود را در تداوم جنگ می‌بیند و به همین دلیل می‌کوشد سربازان را متقاعد کند به جنگ ادامه دهند و برای ترغیب آنان از حیلۀ احساسات میهن‌پرستانه و انتقام‌جویانه بهره می‌برد؛ دو سرباز را به سوی آلمان‌ها می‌فرستد تا اوضاع را گزارش دهند و سپس از پشت به آنها تیراندازی می‌کند و اعلام می‌کند آلمانی‌ها آنها را کشته‌اند؛ آلبر مایار موفق به کشف این قضیه می‌



شود؛ ولی فرمانده برای از میان برداشتن این تنها شاهد ماجرا، او را به داخل گودال پرتاب می‌کند، سپس با منفجر کردن نارنجکی، گودال را با توده‌ای خاک می‌پوشاند. دقیقاً در لحظه زنده‌به‌گور شدن آلبر، ادوارد دوست هم‌رزمش سعی در نجات او دارد؛ اما خود به هنگام نجات آلبر به شدت مجروح می‌شود و صورتش را کاملاً از دست می‌دهد. آنها به بیمارستان نظامی منتقل می‌شوند؛ ادوارد تن به عمل جراحی نمی‌دهد و حاضر نمی‌شود به خانه و نزد پدرش بازگردد. آلبر، ایده تغییر هویت و جابه‌جایی شناسنامه را در ذهن دارد و به خاطر جبران لطف ادوارد، این فکر را عملی می‌کند. پس از بازگشت به پاریس، در حالی که ادوارد و آلبر فقیرانه و بی‌هیچ امیدیهی در آپارتمان کوچکی زندگی می‌کنند، مردم فرانسه در حال جمع‌آوری پول برای برگزاری مراسم یادبود قهرمانانشان هستند، حال آنکه قهرمانان زنده به کلی نادیده گرفته شده‌اند. بنابراین، ادوارد نقشه کلاهبرداری بزرگی را در سر می‌پروراند تا به نوعی از جامعه انتقام بگیرد. اوضاع بسیار نامطلوب سبب می‌شود آلبر نیز با او همراهی کند.

دولپون، کارگردان فیلم به امید دیدار در آن دنیا در مصاحبه‌ای اختصاصی در مورد این داستان می‌گوید:

از نظر من، این رمان بسیار الهام‌بخش است؛ داستانی علیه دنیای امروز جوامع است؛ تمام شخصیت‌ها منطبق بر مدرنیته خلق شده‌اند؛ اقلیتی کوچک، حریص و صاحب قدرت و ثروت، بر جامعه تسلط دارند، شرکت‌های چندملیتی کنونی، مملو از پرادل و مارسل پریکور هستند؛ افرادی که هیچ پابندی به دین و به قانون ندارند؛ آلبر مایارهای بی‌شماری زندگی می‌کنند که در طول قرن‌ها و تنها برای زنده ماندن، استقامت می‌کنند و رنج می‌برند. این رمان، یک داستان جهانی را روایت می‌کند؛ رابطه پدری پشیمان و پسری را گزارش می‌دهد که سال‌ها نادیده گرفته شده است و در نهایت، طرح کلاهبرداری با عنوان «یادبود میهنی» موضوع مشترکی است که به داستان ریتم و تعلیق می‌دهد (مصاحبه با دولپون، ۲۰۱۷).

#### ۲.۴. جامعه مرجع رمان به امید دیدار در آن دنیا

این جامعه مرجع است که جامعه متن را ایجاد می‌کند و برای درک متن ادبی باید ویژگی‌های جامعه مرجع را بررسی کنیم؛ به عبارت دیگر، برای کشف جهان واقعی یا همان جامعه مرجع، باید سرنخ‌ها را در متن ادبی یافت. «هر نقد اجتماعی، با تکیه بر ساختارهای روایی، معنایی و زبانی رد پای جامعه را در متن ادبی دنبال می‌کند» (کریمیان و علائمی، ۲۰۱۷: ۸۵). برای درک بهتر جامعه متن در رمان به امید دیدار در آن دنیا، لازم است جامعه زمان لومتر را دقیق‌تر بشناسیم و تأثیراتی را که این جامعه بر اثر نویسنده می‌گذارد، بررسی کنیم.

جنگ جهانی اول، یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ بشر است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش مهمی در تعیین تاریخ و سبک زندگی اجتماعی قرن بیستم ایفا کرده و تمام مناطق جهان، به‌ویژه فرانسه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. به گواه مورخان، فرانسه در طول جنگ متحمل خسارات فراوانی شد، باقی گذاشتن تعداد زیادی کشته و معلول، تنها یکی از پیامدهای این جنگ، برای ملت فرانسه است، بدیهی است که غم و اندوه از دست دادن عزیزان و مراقبت از معلولان، نشاط و شادابی را تا حد زیادی، از جامعه فرانسه گرفت و روحیه آرام و

رمانتیک پیش از جنگ، جای خود را به بدبینی، انتقام و افسردگی داد و معلولان به‌عنوان بخشی از نتایج ناعادلانه جنگ تلقی می‌شدند.

بنابراین، فرانسه پس از پایان جنگ اول جهانی و قبول آتش‌بس در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸، دوران بسیار تلخ و دردناکی را از همه جهات سپری کرد. در عین حال، در سال‌های بین دو جنگ جهانی، عجیب‌ترین دوره گذر تاریخی را پشت سر گذاشت. مرگ جوانان، والدین سوگوار و ناامید، کودکان بی‌پناه و بی‌دفاع، شهرهای فقیر و غم‌گرفته و نیز بازماندگان بی‌انگیزه، به جامعه رنگ‌وبوی دلسردی و ازدگی داده است. از سوی دیگر، احساسات میهن‌پرستانه، ایده‌بازسازی کشور مورد علاقه را به فرانسویان القا کرد.

پی‌یر لومتر یک قرن بعد از این اوضاع و شرایط، رمانی می‌نویسد که همان شرایط را تداعی می‌کند و با مقایسه قرن بیستم و عصر حاضر می‌کوشد وجدان اجتماعی عمومی را بیدار کند. او در این اثر، سربازانی را ترسیم می‌کند که مطابق انتظارات جامعه عمل می‌کنند: در زمان صلح تحصیل می‌کنند، مشغول کار می‌شوند، در هنر و موسیقی استعداد‌های خود را شکوفا می‌کنند، عشق می‌ورزند و اقدام به ازدواج می‌کنند؛ اما با شروع جنگ، با تشویق و تهییج دولت‌ها، با اهداف میهن‌پرستانه و درنهایت با خلوص و فداکاری وارد میدان نبرد می‌شوند. با این همه، پس از بازگشت از زندگی نظامی، به کلی از طرف جامعه طرد شده و حمایت چندانی نیز از طرف همان دولت‌ها دریافت نمی‌کنند. این داستان نه تنها در اوایل قرن بیستم و پایان جنگ جهانی؛ بلکه در ابتدای قرن بیست‌ویکم نیز به همین منوال است؛ مردان و زنانی که به‌خاطر نیاز و تشویق جامعه، عمر و زندگی خود را صرف تعالی میهن خود کرده‌اند و با عشق و انرژی بی‌نظیری مشغول کار و فعالیت بوده‌اند در سن بازنشستگی مورد بی‌توجهی و بی‌مهری از سوی جامعه خود قرار می‌گیرند. لومتر در این رمان قصد دارد جامعه معاصر خود را متوجه این بی‌عدالتی بزرگ بکند و نشان دهد چگونه تک‌تک افراد در پدید آمدن آن نقش دارند.

کلود دوشه پیشنهاد می‌کند که باید جامعه مرجع به‌خوبی شناخته شود؛ به‌عنوان مثال وقتی لومتر این‌گونه روایت می‌کند: «درواقع، آلبر در جنگی شبیه به جنگ‌های داستان‌های استندال درگیر شده است و خود را گرفتار کشتار عوامانه و وحشیانه‌ای می‌یابد که روزانه مرگ هزار تن را ظرف پنجاه ماه رقم زده است» (لومتر، ۱۳۹۵: ۲۳). مخاطب را به سمت یک واقعه تاریخی و واقعی سوق می‌دهد که اگر چیزی درباره آن ندانیم، بی‌تردید این رمان کاملاً نامفهوم خواهد بود.

نقد تاریخی اجتماعی، می‌کوشد وقایع بیرونی را در متن ادبی ارائه دهد. ناگفته نماند که اجتماعی بودن در جامعه مرجع یافت می‌شود. از این رو، «نقد تاریخی-اجتماعی، با مراجعه به واقعیت‌های بیرونی و پنهان در متن، در پی خوانشی قابل فهم از رمان است» (آموسی، ۲۰۰۵: ۱۲۶) نویسنده با یادآوری مکان‌های واقعی، واقعیت‌های تاریخی را برای ما بازگو می‌کند و از این طریق، خوانش رمان بهتر انجام می‌شود. در واقع، جامعه متن از طریق جامعه مرجع تبیین می‌شود.

لومتر با اشاره به «موز»<sup>۱</sup>، رودخانه مشترک بین فرانسه، بلژیک و هلند، میانبری به تاریخ می‌زند. در سال ۱۹۱۸ و در اواخر جنگ جهانی اول، نبردی در این منطقه، بین نیروهای فرانسوی به فرماندهی ژنرال فوشه و آلمانی‌ها درگرفت که منجر به پیروزی فرانسویان شد. در رمان به امید دیدار در آن دنیا این‌گونه روایت می‌شود: «می‌گفتند قرار است صدوشصت و سومین لشکر پیاده به‌زور اسلحه از رودخانه موز عبور کند» (لومتر، ۱۳۹۵: ۱۲) و به این ترتیب، حوادث گوناگون و مرتبط با این مکان یادآوری می‌شود.

در این رمان، مکان‌های متعدد دیگری نیز ذکر شده است که هر یک بیانگر واقعه‌ای تاریخی در جامعه مرجع است همچون: مدرسه هنرهای زیبا و مؤسسه سنت کلوتیلد. نویسنده همچنین نام مکانی را ذکر می‌کند که آلبر برای مدتی در آنجا خدمت کرده بود و با دیدن برانکاردها لحظاتی را به یاد می‌آورد که در «آیسن»، به‌عنوان حمل‌کننده برانکار خدمت می‌کرد و در نبرد سُم<sup>۲</sup> مجروح شد. لومتر به نبردهای جنگ جهانی اول و همچنین به سرزمین‌ها و جبهه‌هایی مانند کمپ دو میلی، مارن، گراولوت و نبرد وردن نیز اشاره می‌کند. پس از پایان جنگ و قبل از بازگشت به زندگی غیرنظامی، شرحی از یک مرکز غیرنظامی ارائه می‌دهد که در حال حاضر، همچنان به‌عنوان مکانی برای خدمت‌رسانی به ارتش محسوب می‌شود.

در این رمان با نام خیابان‌ها و مکان‌های شهری پاریس مانند شانزلیزه، بلوار کورسل، بلوار سن ژرمن، میدان باستی و خیابان سدن برخورد می‌کنیم. لومتر، به‌وضوح، به فروشگاه معروف بُن مارشه در پاریس اشاره می‌کند و دو ویژگی مهم این فروشگاه زنجیره‌ای در آن ایام را یادآوری می‌کند: جلب توجه نمودن ویتترین‌های این فروشگاه و قیمت نسبتاً بالای اجناس آن، زیرا تنها زمانی که ادوارد از طریق کلاهبرداری ثروتمند می‌شود، می‌تواند از آن خرید کند.

علاوه بر مکان‌ها، لومتر به برخی زمان‌ها و اشخاص واقعی نیز اشاره دارد؛ به‌عنوان مثال، سال ۱۹۱۴، شروع جنگ جهانی اول و ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸، اعلام آتش‌بس، زمان‌های تاریخی و واقعی در جامعه مرجع است. نویسنده از چند شخصیت واقعی در رمان نام می‌برد که به ما، در درک بهتر وقایع داستان کمک می‌کنند. در صفحه اول نام «ژان بلانشارد» را ذکر می‌کند که در آن دوره به همراه پنج هم‌زمش به اتهام فرار از جبهه، محکوم به اعدام شدند؛ این سرباز ۳۵ ساله، در آخرین لحظات زندگی، نامه‌ای به همسرش میشل نوشت و در پایان خاطر نشان کرد به امید دیدار در آن دنیا.

نویسنده در توصیف مادر آلبر، او را زنی معرفی می‌کند که رئیس رؤسا را دوست دارد، سپس، نام برخی از سیاستمداران مشهور مانند کلمانسو، موراس، پوانکاره، ژورس، ژوفره و بریان را ذکر می‌کند. نویسنده، نام سنت

<sup>1</sup> Meuse

<sup>2</sup> Bataille de la Somme

کلوتیلدا را یادآوری می‌کند و توضیح می‌دهد که او دختر چیلپریک و کارتن بود. در ادامه، به شخصیت‌های تاریخی خاصی مانند کلویس، پادشاه بورگوندی، رمی، اسقف ریمز ژان بابتیست، سالومه و هولوفرنس نیز اشاره می‌کند. لومتر به شخصیت‌های اسطوره‌های مقدسی همچون ویکتور و والکری برای توصیف رزمندگان اشاره دارد. او در معرفی ژنرال موریو، وی را با چهره‌های شناخته‌شده‌ای همچون ژفر، پتن، نیول، گالینی و لودندورف مقایسه می‌کند. وقتی لومتر موقعیت‌های تأسف بار فقرا را توصیف می‌کند، گریزی به نظریه بلشویک‌ها نیز می‌زند. لومتر، آلبر را به لحاظ ویژگی‌های نامناسب ظاهری، شبیه تینتورتو می‌داند و هنگامی که احساس می‌کند مرگ به او نزدیک شده است، او را شبیه سنت سباستین می‌داند. خالق این رمان، دوران اوج پرادل را با ژرژ گینمر مقایسه می‌کند و اسامی خاص دیگری مانند: لئوناردو داوینچی، ماری بولکونسکایا، پیروت و دیگران را نیز ذکر می‌کند.

#### ۳.۴. سوسیوگرام رمان به امید دیدار در آن دنیا

همان‌طور که پیش‌تر تأکید کردیم، سوسیوگرام موضوع اصلی رمان را تشکیل می‌دهد و عمدتاً پیرامون هسته متضادی شکل می‌گیرد. سوسیوگرام رمان به امید دیدار در آن دنیا، جنگ است و هسته متضاد آن بازگشت به زندگی غیرنظامی است. دنیایی که در رمان به امید دیدار در آن دنیا جریان دارد به شکل قابل توجهی شاهد پدیده جنگ است که تمام موضوعات و گفتمان‌های اجتماعی را در این متن ادبی به هم پیوند می‌دهد و حتی مفهوم زندگی پس از مرگ برای شخصیت‌های رمان کاملاً متفاوت می‌شود. باید توجه داشت در عین حال که تمام جنگ‌ها نقاط مشترکی دارند و تصویر واحدی را از جنگ تداعی می‌کنند، هر جنگی ویژگی‌های منحصر به فردی نیز دارد.

با توجه به اینکه هر متن ادبی، چندین مضمون و تنها یک سوسیوگرام دارد که از برخورد و تلاقی این مضامین حاصل می‌شود، برای یافتن و کشف سوسیوگرام، باید ابتدا مضامین را شناسایی و سپس ریشه آنها را جست‌وجو کرد. در واقع، موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی پرداخته‌شده در این رمان به رویداد مهم جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. بنابراین، سوسیوگرام این رمان «جنگ» است. بدیهی است هنگامی که از جنگ صحبت می‌شود، منظور جنگ مشخص و تعیین شده‌ای نیست؛ بلکه آثار و پیامدهای مشترک همه جنگ‌ها مورد نظر است. از نظر دوشه، «جنگ، یک موضوع ادبی نیست؛ بلکه پرسشی است که ادبیات با آن مواجه است و نمی‌تواند از آن اجتناب کند» (دوشه، ۱۹۹۵: ۳۲). لومتر بین صلح و جنگ ارتباط برقرار می‌کند و اظهار می‌دارد که با شروع آتش بس، جنگ پایان می‌پذیرد، کسانی که از جنگ دفاع می‌کنند خود را در مقابل کسانی قرار می‌دهند که طرفدار صلح هستند و در نتیجه، جنگ دیگری آغاز می‌شود.

در طول رمان، نویسنده نظرات خود را در مورد جنگ، به‌طور کلی و بدون اشاره به مورد خاصی بیان می‌کند. در واقع، از نظر او این پدیده در جهان با ویژگی‌های مشخصی شناخته می‌شود، آن را مساوی با مرگ و زنده ماندن از این فاجعه را یک معجزه می‌داند و هیچ توجیهی جز سرنوشت برای آن قائل نیست: «گویی تمام مدت از ترس قضای آسمان می‌جنگید» (لومتر، ۱۳۹۵: ۱۵). او معتقد است که پایان جنگ به جهان تصویر زیبایی می‌بخشد.

لومتر نتیجه‌ای جز قتل عام و از دست دادن دوستان و عزیزان برای جنگ نمی‌داند؛ هر چند به این نگرش عمومی اشاره می‌کند که در ابتدای جنگ، عموم مردم تصویری جز اعمال قهرمانانه و وظیفه ملی از جنگ نداشتند و گمان می‌کردند جنگ به سرعت پایان می‌پذیرد و زندگی پس از جنگ مانند قبل ادامه می‌یابد. در واقع، نویسنده، جنگ را به عنوان موقعیتی می‌بیند که در آن، تمام افراد «ماهیت واقعی خود را نشان می‌دهند» (لومتر، ۱۳۹۵: ۹۷). لومتر، انسان را همواره در فضایی مشابه با جنگ می‌داند. از نظر او تا زمانی که راضی باشیم که آزادی خود را به نفع دیگران (سیستم اداری) محدود کنیم، باید در جنگی نابرابر مبارزه کنیم و همواره از آن بگریزیم.

نویسنده از کاسبان جنگ نیز سخن می‌گوید. او اعلام می‌کند جنگ، موقعیت اجتماعی افرادی همچون پرادل را ارتقا می‌دهد. کسانی که با بی‌رحمی به کشتار فکر می‌کنند و حاضرند برای تصاحب حتی یک وجب خاک بیشتر، درجات نظامی بالاتری را دریافت کنند. افرادی مانند مارسل پریکور، هرگز به جنگ نرفتند؛ اما از شرایط و بحران‌های به وجود آمده از جنگ بهره برده و ثروتمند شدند: «از میان این موجودات است که مسئولان جهان برگزیده می‌شوند، همین‌ها هستند که در جهان جنگ به پا می‌کنند» (لومتر، ۱۳۹۵: ۲۲۰).

برخی از شخصیت‌های ثانویه رمان مانند راننده تاکسی، نه تنها مشکلات بدنی را بهانه می‌کنند تا به جنگ نروند؛ بلکه قدرشناس قهرمانی‌ها و از خودگذشتگی‌های رزمندگان نیز نیستند. از نظر آنان، بازماندگان از زیر بار مسئولیت‌هایشان شانه خالی کرده‌اند، در غیر این صورت باید شهید می‌شدند.

مرگ و مصیبت در ماهیت جنگ وجود دارد و آنچه زندگی را تضمین می‌کند، صلح است. از نظر لومتر، آتش‌بس، نقطه‌امیدی برای رزمندگان است که خبر از پایان جنگ و بازگشت به زندگی می‌دهد. نویسنده خاطر نشان می‌کند که بازگشت به زندگی، پس از جنگ با دوران پیش از جنگ کاملاً متفاوت است و نه تنها برای نظامیان و کسانی که در جنگ حضور داشتند؛ بلکه برای تمام مردم دوران پس از جنگ، درگیری و ناسازگاری علیه نظام اداری را آشکار می‌کند.

لومتر به ظهور پدیده‌های اجتماعی پس از جنگ؛ مانند ریاکاری اشاره دارد؛ به گونه‌ای که مردم کلماتی را بیان می‌کنند که بیشتر کلیشه و شعار است و خود اعتقاد چندانی به آن ندارند؛ به عنوان مثال: «این جوان‌ها جانشان را فدای فرانسه کرده‌اند. وظیفه ماست که به آنها احترام بگذاریم» (لومتر، ۱۳۹۵: ۲۴۳). نویسنده، به سوءاستفاده طبقه قدرتمند اجتماعی از جنگ و مصائب آن اشاره می‌کند. افرادی همچون پرا-دل و ژنرال پریکور به خاطر قدرت، ثروت و نفوذشان پروژه‌های بزرگی همچون ساخت یادمان‌های جنگ و گورستان‌های نظامی را عهده‌دار می‌شوند و از سود حاصل از پروژه‌هایی از این دست بر ثروت خود می‌افزایند. از سوی دیگر، لومتر، به جامعه انتقاد کرده و بیان می‌کند فرانسه به رزمندگانی همچون آلبر که به عنوان یک سرباز ساده جنگیدند، دیگر افتخار نمی‌کند. مایار، شغلش را به دلیل غیبت و حضور در جنگ از دست می‌دهد، در حالی که دولت، کمک‌خرج بسیار

اندکی به او می‌دهد و در نتیجه نامزدش او را ترک می‌کند و چهره تکیده و فقیرانه او و به‌ویژه، زخم‌های صورت هم‌رزمش، ادوارد، موجب رنجش هموطنانش می‌شود.

لومتر زندگی جامعه فرانسه را در دوره پس از جنگ به تصویر می‌کشد که مردم آن، درصدد جمع‌آوری پول به‌منظور ساخت بنای یادمان برای کشته‌شدگان جنگ هستند، درحالی‌که نسبت به بازماندگان جنگ، بی‌تفاوت می‌مانند. در مجموع، می‌توان گفت که زندگی پس از جنگ برای فرانسویان دردناک‌تر از تحمل دوران جنگ بود. آنان مرگ سربازان را به بازماندگان فقیر، بیمار و ناتوان ترجیح می‌دهند. نویسنده در بخشی از رمان چنین می‌نویسد: «می‌دانست که انسان سرانجام از هر اندوهی تسلی می‌یابد؛ اما از وقتی در جنگ برنده شده بود، احساس می‌کرد هر روز، اندکی بیشتر از روز پیش آن را می‌بازد» (لومتر، ۱۳۹۵: ۲۵۶). در واقع، مشکلات روانشناسانه و اقتصادی برای فرانسوی‌ها یکی از نتایج جنگ بزرگ جهانی به شمار می‌رود.

##### ۵. نتیجه‌گیری

نظر به اینکه نقد تاریخی اجتماعی دوشه براساس مفاهیم تحلیلی مانند جامعه متن، جامعه مرجع، خارج از متن، گفتمان اجتماعی و سوسیوگرام به تحلیل تعارضات اجتماعی مطرح‌شده در اثر می‌پردازد، تحلیل اثر ادبی بر پایه نظریه دوشه در کل به ساختارهای درونی، محدودیت‌های عمومی، شبکه‌های موضوعی، چهره‌ها و استعاره‌های گوناگونی مربوط می‌شود که متن ادبی به‌وسیله آنها از جامعه زمان خود سخن می‌گوید.

با توجه به اینکه به امید دیدار در آن دنیا، محصول ادبی و اجتماعی جامعه‌ای است که در آن، بی‌تفاوتی‌ها سبب ایجاد مصائب و بدبختی‌ها شده است، می‌توان نتیجه گرفت در چنین جامعه‌ای، خودخواهی‌ها و بی‌توجهی به نیازها و مشکلات دیگران، دنیایی غم‌زده و سراسر ترس و بدبینی را پدید آورده است که جز با هوشیاری و بیداری وجدان جمعی قابل تحمل نیست. با مطالعه دقیق رمان به امید دیدار در آن دنیا، به این نکته پی می‌بریم که لومتر در این اثر برگزیده‌اش، هماهنگی و هارمونی قابل توجهی بین ساختار جامعه مرجع و ساختار جامعه متن به نمایش گذاشته است. بنابراین، به امید دیدار در آن دنیا، یک موجودیت اجتماعی-تاریخی از واقعیت را نشان می‌دهد. روایتی که وضعیت جامعه فرانسه در اوایل قرن بیستم را توصیف می‌کند و در واقع پیوند محکمی با زیرساخت‌های گفتمانی مانند ترس، خشونت، ناامیدی، افسردگی، اعتقاد به جبر و اختیار، نظام اخلاقی و مدرنیته برقرار می‌کند. لومتر، در این رمان خواندنی، به زیبایی، نشان داده است که با بررسی و تحلیل هر اثر ادبی، خواه آن را تولید کنیم یا مورد بهره‌برداری قرار دهیم، ابتدا وجود خویشتن و جامعه خود را مطالعه می‌کنیم.

به‌طور خلاصه، می‌توان نتیجه گرفت لومتر از نگارش این رمان، قصد هوشیارکردن آگاهی جمعی جامعه را داشته است. نویسنده توجه خوانندگان را به احساسات انسانی جلب می‌کند و خاطر نشان می‌کند که این رفتارهای درست و نادرست است که منجر به تحریک احساسات می‌شود. او با تأکید بر بی‌تفاوتی جامعه، معاصرانش را به تأمل دوباره و عمیق در مفاهیم فلسفی و ایدئولوژیک مانند خدا، سرنوشت، مرگ، عدالت و نظام اخلاقی حاکم بر

اجتماعات انسانی فرامی‌خواند؛ زیرا مردم، براساس باورهای شخصی و نه بنابر قراردادهای اجتماعی و نه قوانینی که به مردم آموزش داده می‌شود، عمل می‌کنند. در پایان، یادآور می‌شویم که موضوع تیتراشناسی این رمان و دیگر آثار پی‌یر لومتر را با توجه به رویکرد ارائه‌شده توسط کلود دوشه می‌توان در پژوهش‌های جداگانه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار داد. همچنین، بررسی موضوعات اجتماعی این رمان نظیر ساختار اداری، آثار و پیامدهای سیستم سلسله‌مراتبی، نگاه جامعه‌رمان به مسائل ایدئولوژیکی و اخلاقی از دیگر عناوین قابل پژوهش در همین راستا است که می‌تواند در آینده مورد توجه پژوهشگران قرار گیرند.

### منابع

- گلدمن، لوسین. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی ادبیات. محمد جعفر پوینده. درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات؛ مجموعه مقاله. تهران: نقش جهان.
- لومتر، پی‌یر. (۱۳۹۵). به امید دیدار در آن دنیا. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: نشر ماهی.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۹۹). صد سال داستان‌نویسی ایران (دوجلدی). تهران: نشر چشمه.
- Amossy, Ruth, Duchet, Claude. (1979). *Balzac et La Peau de chagrin*. Paris : Société d'édition d'enseignement supérieur.
- Amossy, Ruth. (2005). « Entretien avec Claude Duchet ». *Littérature*, N. 140, 125-132.
- Amossy, Ruth. (1992). « Sociocritique et Argumentation : l'exemple du discours sur le déracinement culturel ». *La politique du texte, Enjeux sociocritiques*, N. 140, 56-71.
- Angenot, Marc. (1889). *Un état du discours social*, Montréal : Le Préambule.
- Bellemin-noël, Jean. (1978). *Psychanalyse et littérature*, Paris : PUF.
- Duchet, Claude, Vachon Stéphane. (1993). *La Recherche littéraire*, Québec : Xyz.
- Duchet, Claude. (1973). *Une écriture de la socialité*, Paris : Seuil.
- Duchet, Claude. (1979). *Sociocritique*, Paris: Nathan.
- Duchet, Claude. (2021). « La Méthode sociocritique, exemple d'application : le sociogramme de la guerre. » (Consultable sur [http://s-space.snu.ac.kr/bitstream/10371/88756/3/3. le sociogramme de la guerre \(Claude Duchet\).pdf](http://s-space.snu.ac.kr/bitstream/10371/88756/3/3_le_sociogramme_de_la_guerre_(Claude_Duchet).pdf), date de consultation 1/2/2021)
- Dulpont, Albert. (25-11-2015). « Entretien avec Albert Dulpont » (Consultable sur <https://medias.unifrance.org/medias/209/192/180433/presse/au-revoir-la-haut-dossier-de-presse-francais.pdf>, p. 5-9, date de consultation 17/9/2020).
- Goldmann, Lucien. (1964). *Pour une sociologie du roman*, Paris : Gallimard.
- Karimian, Farzaneh, ALAEI, Mina. (2017). Etoile Agonisante : « Lecture sociocritique de *Sorraya dans le coma* ». *Plume*, 13 (25), printemps et été, 65-87.
- Lemaître, Pierre. (2013). *Au revoir là-haut*. Paris : Albin Michel.
- Robin, Régine. (1993). « Pour une socio-poétique de l'imaginaire ». *Discours social*, 5 (1-2), 7-32.
- Robin, Régine. (1993). « Le sociogramme en question. Le dehors et le dedans du texte ». *Discours social*, 5 (1-2), 1-5.

- Salimikouchi, Ebrahim, ASHRAFI, Sousan. (2015). « De la société du texte à la société du référent ; lecture duchetienne de peur et de tremblement de Gholamhossein Saedi ». *Études de langue et littérature françaises*, 5 (2), printemps, 67-82.
- Tournier, Isabelle. (1993). « Le sociogramme du hasard chez Balzac ». *Discours social*, 5 (1-2), 49-73.